

The Manifestation of Light in Architectural Decorations of the Nasir al-Mulk Mosque and Its Role in Environmental Psychology

1. Zahra Moradi^{ID}: Department of Architecture, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran

2. Pedram Dadfar^{ID*}: Department of Photography, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Kimiya Sayadi Seyed Mahaleh^{ID}: Department of Architecture, Ha.C., Islamic Azad University, Hamedan, Iran

4. Maliheh Sadeghpour^{ID}: Department of Art Research, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Ped.dadfar@ctb.iau.ir

How to Cite: Moradi, Z., Dadfar, P., Sayadi Seyed Mahaleh, K., & Sadeghpour, M. (2025). The Manifestation of Light in Architectural Decorations of the Nasir al-Mulk Mosque and Its Role in Environmental Psychology. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 3(2), 1-11.

Abstract:

Light is one of the metaphorical symbols in architectural art; therefore, among Iranians it holds a sacred and exalted status. Iranian architects have employed the most immaterial element—light—in design to connect their art to the celestial realm, thereby imparting a sacred dimension. Islamic architecture in Iran places particular emphasis on light. This architecture serves as a locus for sacred space, life, presence, and illumination, and it influences the human spirit. Sacred Islamic architecture is manifested foremost in the mosque. One of the most important characteristics of light is its sequential variation with qualitative changes throughout the day, which results in the creation of diverse reflective qualities on surfaces and produces different effects in environmental psychology. Considering the manifestation of light in the architecture of the Nasir al-Mulk Mosque and its role in environmental psychology, the main research question arises as to how light is reflected in the architectural decorations of this building and how it has been able to play its role in environmental psychology for visitors to the site. This study aims to review the application of light and related beliefs in Islamic architecture—particularly in the decorative elements employed in the Nasir al-Mulk Mosque—and to examine its role in environmental psychology. Using an analytical–descriptive and library-based methodology, the study revisits the manifestation of light in the architectural decorations of the Nasir al-Mulk Mosque and analyzes its environmental psychological role. The findings indicate that light-based decorations, as manifested beautifully through the interplay of color and light in the components of the Nasir al-Mulk Mosque, were intended by the architects to exert a psychological influence on individuals.

Keywords: Light; Iranian–Islamic Architecture; Environmental Psychology; Nasir al-Mulk Mosque; Decorations

Received: 23 April 2025

Revised: 19 August 2025

Accepted: 27 August 2025

Published: 21 September 2025



تجلی نور در تزئینات وابسته به معماری مسجد نصیرالملک و نقش آن در روانشناسی محیط

۱. زهرا مرادی^{ID}: گروه هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. پدرام دادفر^{ID}: گروه عکاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. کیمیا صیادی سیدمحلله^{ID}: گروه هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۴. ملیحه صادقیور^{ID}: گروه پژوهش هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Ped.dadfar@ctb.iau.ir

نحوه استناددهی: مرادی، زهرا، دادفر، پدرام، صیادی سیدمحلله، کیمیا، و صادقیور، ملیحه. (۱۴۰۴). تجلی نور در تزئینات وابسته به معماری مسجد نصیرالملک و نقش آن در روانشناسی محیط. *تجلی هنر در معماری و شهرسازی*، ۳(۲)، ۱۱-۱.

چکیده

نور یکی از نمادهای استعاری در هنر معماری می‌باشد، از این رو در میان ایرانیان، از جایگاه مقدس و الایی برخوردار است. معمار ایرانی برای پیوند زدن هنرش به عالم ملکوت از غیر مادی ترین عنصر که همان نور است، در طراحی بهره برده است، تا بدین شکل جنبه مقدس را داده باشد. معماری اسلامی در ایران تأکید ویژه‌ای بر نور دارد. این معماری جلوه گاه مکان مقدس، حیات، حضور و نور است و بر روح آدمی تأثیر می‌گذارد. معماری قدسی اسلام قبل از هر چیز در وجود مسجد تجلی یافته است. از مهمترین مشخصه‌های نور، توالی آن با تغییرات کیفی در طول روز است که در نتیجه موجب آفرینش کیفیت‌های بازتابش در سطوح و تأثیر مختلف روانشناسی محیطی اش می‌شود. با توجه به تجلی نور در معماری مسجد نصیرالملک و نقش آن در روانشناسی محیط، این سوال اصلی پژوهش را در ذهن ایجاد می‌کند که نور چگونه در تزئینات معماری این بنا بازتاب یافته و توانسته در روانشناسی محیط نقش خود را در افرادی که از آن مکان دیدن میکنند ایفا کند؟ این پژوهش، با هدف مروری بر روی کاربرد و اعتقادات نور در معماری-اسلامی بویژه در تزئینات عناصر به کار رفته در مسجد نصیرالملک و نقش آن در روانشناسی محیط، به بازنگری تجلی نور در تزئینات وابسته به معماری مسجد نصیرالملک پرداخته و نقش آن در روانشناسی محیط، مورد بررسی قرار داده و به روش تحلیلی-توصیفی و کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. در پایان نتیجه‌ای بدین شکل حاصل شد، تزئینات نور همانطور که در اجزای مسجد نصیرالملک به زیبایی بازی میان رنگ و نور تجلی پیدا کرده است. هدف معماران آن این بوده که افراد را از نظر روانی تحت تأثیر قرار دهد.

کلیدواژگان: نور، معماری ایرانی-اسلامی، روانشناسی محیط، مسجد نصیرالملک، تزئینات

تاریخ دریافت: ۳ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۸ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۵ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۳۰ شهریور ۱۴۰۴



مسجد نصیرالملک یکی از شاهکارهای بی نظیر معماری اسلامی در ایران به شمار می‌آید که نقوش و تزئینات، و نورپردازی خاص به عنوان فضایی الهام بخش و تأثیرگذار شناخته می‌شود. این مسجد بوسیله پنجره‌های رنگارنگ و بارتاب نور خورشید بر کف و دیوارهای آن، فضایی پر از حس آرامش، تفکر و معنویت را برای گردشگران خود می‌آفریند. روانشناختی محیط به عنوان شاخه‌ای از علوم رفتاری، به شیوه ارتباط اشخاص با محیط پیرامون خود و تأثیراتی که در جریان این ارتباط بوجود می‌آید، به احساسات و ادراک آن، می‌پردازد. از دیدگاه روانشناسی محیط، فضاهای معماری افزون بر داشتن جنبه‌های کاربردی، این توانایی را دارد تا بر ذهن و روان انسان تأثیرات عمیقی را بگذارد. عناصر متعدد همچون نور، الگوها، تزئینات بکار رفته در مسجد نصیرالملک منجر به ایجاد احساسات متعددی مانند آرامش، اضطراب، انرژی و حتی الهام بخشی هستند (1). قابل ذکر است که یکی از عوامل بسیار مهمی که در آن سبب می‌شود تا انسان با قرار گرفتن در آن احساس شادی کند و در واقع لذت بیشتری را از بود و ماندن در آن محیط ببرد و یا برعکس در فضاها و مکانهایی افسرده و بی‌قرار شود با اصل مهم نور و نورپردازی در تعامل است (2). قرار گرفتن در برابر خورشید بالا رفتن ترشحاتی بعضی از هورمون‌ها را سبب می‌شود (3). معماری اسلامی در ایران توجه خاصی به نور دارد. این معماری، در طول تاریخ بازتابنده مکان مقدس، حیات و حضور نور است. هدف این پژوهش بررسی سیر تجلی نور در تزئینات مسجد نصیرالملک می‌باشد و سپس بازتاب نقش نور در علم روانشناسی محیط مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با این پرسش که نور بعنوان یک عنصر مهم و اساسی در معماری اسلامی در ایران چه نقشی را می‌تواند در روانشناسی محیط و تأثیر بیولوژیکی و روحی بازدیدکنندگان از این مکان داشته باشد می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

صفری (۱۴۰۳) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «تأثیر نقوش و تزئینات معماری مسجد نصیرالملک بر کاربران از منظر روان‌شناسی محیط» با اشاره به این مطلب که مسجد نصیرالملک از آثار معماری زیبا و تاریخی شیراز است که در دوره قاجار ساخته شده و تغییرات این دوره و تأثیر گرفته از پیشینه معماری شیراز، از ویژگی‌های خاص تزئینی و تحولاتی در کالبد و فضاهای معماری است که بیشتر از نظر هنری مورد توجه بوده است. این مقاله با هدف بررسی نقوش و تزئینات معماری به کار رفته در این بنا، در تلاش است تا بهترین پاسخ رفتاری برای کاربران مسجد نصیرالملک از نظر روانشناسی محیطی نشان بدهد. در ابتدا با استفاده از تحقیقات میدانی، تفسیر کاملی از تزئینات معماری بنا ارائه و سپس با جستجو در منابع تاریخی، تاریخ‌های موجود در تزئینات، کمک گرفتن از اسناد باقی مانده از دوره‌های تاریخی متعدد و بهره بردن پرسشنامه به تحلیل تزئینات معماری و نقوش به کار رفته در آنها پرداخته می‌شود (1).

عابدی و جودی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر روانشناسی محیطی در فضاهای آموزشی و معماری» به این نکته می‌پردازند که مقوله محیط به صورت عام و همچنین عوامل محیطی به شکلی ویژه، از جمله مسائلی هستند که در راستای نقش و تأثیراتی که بر رفتار و روان انسان دارند، دارای اهمیت است. در حقیقت محیط، زمینه‌ای برای فعالیت و زندگی انسان است و اثرات شرایط محیطی بر انسان، اجتناب ناپذیر است. لازم به ذکر است شرایط محیطی نامناسب از عوامل بوجود آمدن استرس، اضطراب و عصبانیت در محیط کار می‌شود.

غفوری و پورمافی (۱۳۹۵)، در تحقیق با عنوان «حکمت و تجلی نور در مساجد ایرانی (نمونه موردی مسجد نصیرالملک شیراز)، عنوان می‌کنند که نور و اهمیت استفاده از آن در معماری ایرانی و شکل دهی به فضاهای داخلی، از جایگاه مهمی برخوردار است. با ظهور اسلام بر اهمیت و بکار بردن نور در بناها، بویژه مساجد به عنوان مهمترین معماری اسلامی اضافه شد. در مساجد، نور افزون بر جنبه عملکردی، به عنوان نمادی عرفانی و نشانه‌ای از حضور خداوند تلقی شده که حس فروتنی آدمی را در پیشگاه پروردگارش را برمی‌انگیزد. ارزیابی این موضع به این دلیل اهمیت دارد که در مکان‌های مذهبی معاصر، نور طبیعی فقط در جهت استفاده از کمی است و از جنبه‌های کیفی دوری شده است. این تلاش شده است تا با روش توصیفی و تحلیلی، جلوه نور در معماری مساجد و تأثیر آن در منتقل کردن حس معنوی در انسان بازنگری کند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل-توصیفی است. در این روش از روش کتابخانه‌ای، بررسی متون و محتوای مطالب استفاده شده است. در تحقیقات تحلیلی-توصیفی، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه که هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد مختلف می‌پردازد.

نور در تفکر ایرانی

با مطالعه تاریخ می‌توان فهمید که نور و آتش در اقوام آریایی جایگاهی نداشته بعد از ورود به ایران و ورود به مرحله یکجانشینی ارزش یافت. اعتقادات برای نور و آتش حائز اهمیت بسیار است که سبب ساخت آتشکده‌های بسیاری در ایران که کانونی برای مراسمات مذهبی بودند، شدند. اساس چنین سازه‌هایی بر هندسه دایره و مربع طراحی شده بود. که این دو شکل هندسی در باورهای ایرانی، مفاهیم عمیقی دارند؛ زیرا مربع به زمین و مسائل زمین و دایره نمادی از بهشت و آسمان به شمار می‌آید. پرواز ذهن انسان از زمین به بهشت و میل به پرستش آتش به پرستش خورشید دگرگون کرد (Ahani, 2011: 38). بعد از ورود اسلام به ایران و دیدگاه اسلامی، نور جایگاهی ویژه در بنا یافت. دیدگاه اسلامی با نور طبیعی پیوندی مشترک دارند. که می‌تواند معماری را از دل زمین جدا کرده و به عالم معنوی و بالا نزدیک سازد (4). چنین معماری همیشه انعکاسی از یک مکان مقدس، حیات و حتی نور است و بر روح آدمی اثر می‌گذارد (5). اولین جایگاه جلوه هنر ایرانی و اسلامی، در معماری مساجد است که فضا و مکانی برای ارتباط نور الانوار می‌باشد.

تجلی نور در تزئینات مسجد نصیر الملک

مسجد نصیرالملک شیراز یکی از مساجد قدیمی شیراز است که در نزدیکی مسجد شاه چراغ قرار دارد. این مسجد از بناهای دوره قاجار است (6). در ورودی، از طاق نمایی بزرگ برخوردار است که سقف آن با کاشی‌های رنگارنگ تزیین شده است. در اینجا با سلسله مراتبی از مکان در ورود، روبرو هستیم. بعد از ورود به هشتی می‌رسیم که یک فضای نیمه تاریک است. بعد با حرکتی ۹۰ درجه و پس از آن ۴۵ درجه و در نهایت در یک چرخشی تکراری با زاویه‌ای ۹۰ درجه، فضای بسته، خنک و تاریک به فضای باز بدون سقف، گرم و مشحون از نور ملحق می‌شویم. در اینجا در ابتدایی که به حیاط وارد می‌شویم، نور است که می‌تابد و حیاط بازتابی از بهشت می‌شود و در مرکز، آب است که روشنایی است (7). این بنا از دو ایوان شمالی و جنوبی دارد که در واقع بهم شباهت دارند و ایوان شمالی زیباتر از ایوان جنوبی است. ایوان ۴ اتاق دارد و سقف مابینی آن بوسیله مقرنس کاری و کاسه سازی پنج کاسه تزیین شده است (8). در آنجا مقرنس به

جز زیبایی، برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از نور خورشید نیز استفاده میشود. به همین خاطر در مسجد نصیرالملک، روشنایی یکپارچه و غیرمتمرکزی را دارا هستیم که حجم زیادی را احاطه می‌کند.

شیشه‌های رنگی به کار رفته در درها و پنجره‌های زیبای این مسجد، بازی نور و رنگ دلنشینی داخل مسجد راه انداخته است. مسجد به گونه‌ای ساخته شده که نور آفتاب صبحگاهی را مشاهده کنید (9).

دو شبستان در مسجد نصیرالملک وجود دارد که شبستان‌ها به خاطر جهت‌گیری ساختمان، در ادامه محور قبله قرار گرفته‌اند. شبستان شرقی در مقایسه با شبستان غربی از زیبایی‌های چندانی برخوردار نیست (8). گفتنی است که شبستان غربی پوشش آجری دارد و بیشتر بر روی آن کار شده و زیباتر است. طاق این شبستان بر روی ستون‌های سنگی و با طرح مارپیچ بر روی آن در دو ردیف شش تایی و به تعداد دوازده عدد به نیت دوازده امام قرار گرفته و نیز هفت درگاه دارد با هفت در چوبی و شیشه‌های رنگارنگ که این شبستان را به صحن مسجد وصل می‌کند. طاق و دیوارهای این شبستان با کاشی‌کاری‌های زیبا تزیین شده و کف آن با کاشی‌های فیروزه‌ای و سقف آن با نقش گل و بوته و آیات قرآنی تزیین شده است. گفتنی است این شبستان، شبستان تابستان شناخته می‌شود (8). بازی با نور و رنگ در این شبستان زمینه‌ای برای یک فضای زیبا و دلنواز همراه با حس آرامش را ایجاد کرده است. نوری که از میان شیشه‌های رنگی خرد شده تابیده، محیط را قدسی و متبرک ساخته‌گویی تلاشش این است تا انسانی که به آن جا می‌آید غم درون خود را به فراموشی بسپارد (10).

پنجره‌های رنگی شبستان، نور را از سمت چپ بین فضا تابیده شده و با پخش رنگ‌های گیرای خود، نگاه بیننده را به سمت چپ منحرف کرده و یا اینکه دستکم نسبت به آن سمت توجه و بروز حساسیت می‌کنند. این در حالی است که جهت قبله که در انتهای شبستان واقع می‌شود و در واقع این جهت باید کانون اصلی توجه باشد در تاریکی تشکیل از تباین نوری پنجره‌ها فرو رفته است (6). همچنین در این شبستان، هفت درک ارسی وجود دارد. تزئینات گره‌سازی و قواره بری با شیشه‌های رنگی با بهره‌بردن از رنگ‌های سرد و گرم در این شیشه‌ها ترکیب بندی بی‌مانندی را آفریده است. تابیدن نور خورشید و عبور آن از شیشه‌های رنگی، تنالیت‌های رنگی شگفت‌انگیزی را بوجود آورده است. تنالیت‌های رنگی بوجود آمده در فصل‌های مختلف سال، با تغییر زاویه تابش خورشید متفاوت است. نور اولین شرط برای هر نوع ادراک بینایی است. عنصری که با آن دیدن اشیاء امکان پذیر می‌شود. نور مناسب‌ترین ماده ساختاری است که می‌تواند به فعالیت‌های روزانه ما شکل زیبایی، لذت و راحتی عطا کند. که اینچنین ما را به خود جلب می‌کند. انسان که خود زاده نور است، بقا و سلامت جسمی و روانی و اخلاقی آن در گرو نور است. باید عنوان کرد که موجودیت بشریت و یادگیری، پیشرفت و بالا رفتن کیفیت هر انسانی منوط به دیدن است و لازمه آن، نور می‌باشد (2). در حال حاضر دانشمندان همچنین طراحان و روانشناسان بر این باورند که نورها نقش اساسی بر اخلاق و کردار انسان و رفتارهای اجتماعی دارند. با بیان روح بخشی فضا، نور به یک موضوع کاربردهای وسیع در اصول طراحی محیطی مبدل شده است. به همین خاطر روانشناسی محیط وارد عرصه معماری بخصوص بنای نصیرالملک شد.

روانشناسی محیط

دانش روانشناسی محیطی، علم تجربی-اکتسابی مطالعه در روابط انسان-محیط است که با جمع‌آوری دانش‌هایی از حوزه‌های متعدد در یک زمینه روانشناختی، به مطالعه روابط، رفتارها و تجارب انسانی در محیط می‌پردازد. روانشناسی محیطی به عنوان یک زمینه میان رشته‌ای دانش‌هایی همچون انسان‌شناسی، جامعه

شناسی و حتی علوم سیاسی و اقتصاد را دربر می‌گیرد. به همین خاطر است که عده‌ای از پژوهشگران، مطالعه انسان در محیط را در قالب الگوی «مطالعه محیط- رفتار» بیشتر مورد پذیرش دارند (11). روانشناسی محیط، سه حوزه ی فضایی را همزمان در برمی گیرد. فضای کالبدی (سامانه ی کالبدی-فضایی)، فضای اجتماعی (سامانه ی جمعی-رفتاری) و فضای فردی-وجودی (سامانه ی-ادارکی).

در واقع این دانش به عنوان شاخه‌ای از روانشناسی و زیرمجموعه‌ای از علوم رفتاری، در زمینه رفتارهای انسان در ارتباط با محل زندگی یا محیط کالبدی اطرافش به مطالعه می‌پردازد (12) محیط، مفهومی پیچیده و مرکب است که از بعدها متعدد تشکیل شده است. داده‌های فضایی، جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، معماری، نمادی، جغرافیایی، تاریخی و زیستی از انواع این بعدها می‌باشند (13). ادراک انسان از محیط از محوری ترین مسائل در روانشناسی محیط و سلسله مراتب کسب اطلاعات از محیط پیرامون است (14). می‌توان اذعان داشت که ادراک انسان در کانون هرگونه رفتار محیطی واقع می‌شود چرا که منبع تمام اطلاعات محیطی است (11). ادراک محیطی نظامی است که براساس تلفیق اطلاعات حسی و انتظارات بر مبنای تجربه که از مسیر آن انسان اطلاعات ضروری را برحسب نیازش از محیط اطرافش انتخاب می‌کند (15).

تجلی نور در مسجد و تحلیل روانشناسی محیط

دیدگاه لوین این بود که بازنمایی درونی فرد از محیط، عامل اصلی می‌شود در راستای مشخص کردن حرکت در فضای زندگی. در واقع باورهای فرد درباره محیط که به شکلی ذهنی بانگری شده اند بیشتر از خود محیط بر رفتار او اثر می‌گذارد (11). از نظر کانتر، مکان نمی‌تواند جدای از انسان در نظر گرفته شود. مردم همیشه رفتارها و اعمال خود را با هر مکان خاص انطباق می‌دهند و ماهیت آن مکان عامل مهمی در ادراک عمل و تجربه آنها می‌شود (عینی فر، ۱۳۸۸). چهار ویژگی انسانی در ارتباط با محیط مسجد نصیرالملک و براساس نظریه شولتز بدین صورت است که:

(الف) حالت روحی بوجود می‌آید بدین صورت که، ذهن انسان در مرحله، بی هیچ واسطه‌ای با محیطش ارتباط برقرار می‌کند.

(ب) فهمیدن: نشاندنده ادراک و آگاهی محیط به شیوه تشخیص جهت و راه.

(ج) گفتگو: معانی و پیوند بین انسان و مکان و درگیر شدن عالم مکان با عالم انسان

(د) هستی با دیگران: به این نکته می‌پردازد که انسان عالم خود را با دیگران تقسیم می‌کند (16).

مکان فضای دارای معنا است. به همین خاطر مکان را بخشی از فضا که بوسیله روابط اجتماعی تعینی می‌شود، معرفی کرده اند (مدیری، ۱۳۸۷). در اینصورت مکان ماهیتی روانشناختی به خود گرفته که با دیگر علوم رفتاری ارتباط دارد. "رآپاپورت مکان را یکی از چهار عامل تعریف کننده فضا معرفی می‌کند که در تلفیق با معنی، زمان و ارتباطات، محیط انسان ساخت را شکل می‌دهند" (17). نظریه کنش متقابل بر نقش تجربی ادراک توصیه می‌کند و رابطه‌ای فعال میان فرد و محیط را اساس تحلیلی قرار می‌دهد (14). نقش مهم نظریه متقابل در معماری و طراحی تشخیص بر این است که مردم در محیط به چه چیزهایی توجه می‌کنند و اهمیت می‌دهند چرا که معماری و بویژه تزیینات نور در مسجد نصیرالملک مورد بحث ما ارتقا دهنده کیفیت زندگی براساس ادراک حسی است (18).

نظر برلین (۱۹۷۲) بر این است که، محرک‌های محیطی از خصوصیات مختلف و جلوه گری برخوردار است. مانند: تازگی، غیرمنتظره بودن و پیچیدگی. چنین خصوصیتی مشاهده گر را ترغیب می‌کند تا دقت، بررسی و مقایسه کند. این ویژگی‌های محیط می‌تواند: (الف) ماهیت روانی-فیزیکی دار باشد (مثل نور)؛ (ب)

ماهیت اکولوژیکی داشته باشد یا (ج) ماهیت ساختاری و اجتماعی داشته باشد. این ویژگی‌ها توجه انسان را به خود جلب می‌کند و قضاوت زیبایی شناختی را بوسیله نیاز به لذت طلبی یا تحریک حس تردید تحت تأثیر قرار می‌دهد (13). نور در مسجد نصیرالملک مظهر و سمبلی از وجود در فضای معماری اسلامی به شمار می‌آید. آینه کاری و استفاده از موزائیک‌ها یا اینکه رنگ درخشان و طلایی و فیروزه‌ای برای گنبد‌ها و تزئین مقرنس‌ها و نقوش بیانی از قانون تجلی‌گری نور است و این کار به مثابه کیمیاگری کردن است که معمار در آن سنگ را مانند نور جلوه گر می‌کند (5). در واقع هدف انعکاس نور در تزئینات این بنا همین است جلای روح انسانی که خود را در این محیط قرار داده است. حتی اگر فردی با داشتن باورهای دینی کم هم با دیدن همین نبوغ نور چنان اندیشه و روح و روانش تحت تأثیر قرار می‌گیرد که ناخودآگاه دستانش برای عبادت در حال نزدیک شدن به یکدیگر می‌شود. گویی معماران مسجد ایمان شان را از همین نور صبحگاهی که از شیشه‌های رنگی عبور می‌کند، محک بزنند (7). بر این اساس انسان با قرار گرفتن در محیط قدسی و معنوی و تاریخی و در بخش‌های مسجد نصیر الملک که خود بر اساس نور ساخته شده است و بهشتی از رنگ و بازتاب نور را خلق کرده احساس راحتی، سبکی، شادی و مثبت اندیشی دارد.

در نگرش انسان به روانشناسی محیط، انسان سلسله مراتبی از ادراک حسی و عقلی و تأثیرپذیر از انگیزه و هیجانات همراه با محرک‌های محیطی و عکس العمل‌های معنایی و محتوایی نسبت به محیط است (12). بویژه آنکه معماری اسلامی نور را بر معنویت و قدسی بودن تأکید دارد. همچنین اثر نور (فوتون‌ها) بر بدن سبب کمک به درمان افسردگی و تنظیم ریتم بیولوژیک بدن می‌شود (19). هنگامی که صحبت چرخه ی بیولوژیک بدن در بین است اثر نور بالاتر از جنبه‌های بصری مانند تشخیص فرم، تصویر، عمق و جهت یابی است. بازی نور در تزئینات اجزای مختلف معماری مسجد نصیرالملک به نوعی نوردرمانی در مفهوم روانشناسی محیط است. نوردرمانی از روش‌های جدید در راستای کمک به تعداد زیادی از چرخه‌های بدن بوده و همچنین اثرات بیولوژیک و روانی آن می‌تواند با تحریک هورمون‌ها در پایداری سلامت آن اثرات مثبتی بگذارد. فوتون‌ها (نور) با عبور از انشعابات عصبی به مغز و نخاع رسیده و تولید هورمون‌های مختلف مانند اندروژین و سروتونین را هماهنگ می‌کند نیز با دیگر اتصالات به غدد فوق کلیه وارد شده و تولید هورمون‌هایی مانند کورتیزول را منظم می‌کند (20). نور در تزئینات این بنا نموداری از روشنی و شادی می‌باشد. در نهایت زیبایی، معنا، ادراک، احساس، اندیشه، نیازهای انسانی، راحتی، آسایش، تعالی و... از لغات مشترک میان حوزه معماری و روانشناسی است.

نتیجه‌گیری

روانشناسی محیط مطالعه پیچیده میان مردم و محیط اطرافشان است. در روانشناسی محیط رفتار انسان تحت تأثیر عناصری مانند پارامترهای فیزیکی محیطی، داده‌های نمادین، داده‌های طراحی و روح محیط واقع می‌شود. احساسات، کنش‌ها و نیز تندرستی انسان از نور تأثیر می‌گیرد. در این نقل و انتقال نور به عنوان عنصری مهم در تزئینات مسجد نصیرالملک بوده است. نور می‌تواند زمینه‌ای مناسب را برای آرامش روان، آسایش تن و جان و تجلی رشد اخلاقی انسان فراهم سازد. نیز با توجه به کاربردهای درمانی، روانی و اجتماعی به شکل مستقیم قادر است بر رفتار اشخاص اثرات مثبت بگذارد. به همین خاطر سبب توجه به اثرات روانی به عنوان یکی از اصول طراحی فضای معماری تأکید می‌شود. عکاس ژاپنی بعد از سفر به شیراز در مقاله‌ای چنین عنوان کرد " شما این رنگ‌های بوجود آمده بوسیله شیشه‌های رنگی را صرفاً در صبحگاه می‌بینید. مسجد نصیرالملک چنان ساخته شده که نور آفتاب صبحگاهی را ببینید، پس اگر ظهر به دیدن آنجا بروید، برای گرفتن این نور دیگر دیر شده. دیدن نور آفتاب صبحگاهی که از شیشه‌های رنگی می‌گذرد و بعد بر روی طرح فرش‌های ایرانی می‌افتد". قابل ذکر

است که رابطه انسان و محیط یک رابطه دو سویه است. هر دو به نوعی بر یکدیگر تأثیرگذار هستند و از هم متأثر می‌شوند. الگوهای رویدادهایی را که بر زندگی در بناها و شهرها مسلط است، نمی‌توان از فضاهایی که در آن اتفاق می‌افتند، جدا کرد. انسان با توجه به ارزشهای فرهنگی محیط خود، به بعضی از فضاها، محرک‌ها و اتفاقات معنا می‌دهند و هماهنگ با آنها رفتار می‌کند. شناخت، توصیف و بیان رفتار انسان به درک رابطه محیط و رفتار یاری می‌رساند و بدین صورت فهمیدن نقش محیط بوجود آمده در زندگی مردم نیاز به فهم و درک ماهیت انسان دارد. در واقع محیط و رفتار به اندازه‌ای در یکدیگر گره خورده اند که به دشواری می‌توان آنها را از هم جدا کرد. رفتار را نمی‌توان جدای از رابطه درونی آن با محیط فهمید. رفتار را باید در بستری محیطی معرفی کرد. تزیینات نور همانطور که در اجزای مسجد نصیرالملک به زیبایی بازی میان رنگ و نور تجلی یافته. هدف معماران آن این بوده که افراد را از نظر بیولوژیکی و روانی تحت تأثیر قرار داده در کمک به درمان بعضی از بیماری‌ها نقش بسزایی داشته باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Light has long occupied a privileged metaphysical, symbolic, and functional position in Iranian-Islamic architecture, operating simultaneously as a material phenomenon and as a carrier of sacred meaning that mediates between the physical and spiritual realms. In Islamic architectural thought, light is not merely an instrument of visibility but a constitutive element of spatial experience that shapes perception, emotion, and cognition. Mosques, as the most explicit manifestations of sacred

architecture, have historically served as environments in which light orchestrates the interaction between architecture and the human psyche. The Nasir al-Mulk Mosque in Shiraz, constructed during the Qajar period, represents a paradigmatic example of this tradition, particularly through its sophisticated use of stained glass, tilework, spatial sequencing, and daylight modulation. From the perspective of environmental psychology, architectural space is not neutral; rather, it actively participates in shaping affective states, behavioral tendencies, and cognitive interpretations of place. Environmental psychology emphasizes the reciprocal relationship between humans and their built environments, highlighting how sensory stimuli—especially light—affect emotional regulation, well-being, and perceptual meaning. Previous research has demonstrated that architectural elements such as light, color, and ornamentation can evoke psychological responses ranging from tranquility and spiritual elevation to arousal and attentional redirection (1). Moreover, exposure to natural light has been shown to influence hormonal secretion and biological rhythms, reinforcing the importance of daylight in environments designed for contemplation and presence (2, 3). Within this conceptual framework, the Nasir al-Mulk Mosque offers a unique case in which light functions as both a symbolic and physiological agent, raising the central question of how light is manifested through architectural decorations and how this manifestation contributes to environmental psychological effects among visitors.

The theoretical and empirical background of this study draws upon interdisciplinary scholarship spanning architectural history, Iranian-Islamic symbolism, and environmental psychology. Prior studies have examined the aesthetic and symbolic dimensions of ornamentation in Nasir al-Mulk Mosque, emphasizing its Qajar-era artistic innovations and its continuity with earlier architectural traditions in Shiraz (4). Other scholars have underscored the centrality of light in Iranian religious architecture, arguing that light transcends functional illumination to become an emblem of divine presence and metaphysical order (4, 5). From an environmental psychology perspective, space is understood as a complex system composed of physical, social, and perceptual dimensions that jointly influence human behavior and experience (13). Theories of environmental perception emphasize that individuals do not merely receive sensory data passively; rather, perception emerges from the integration of sensory input with prior experience, expectations, and cultural meanings (11, 14). In sacred spaces, this integration is particularly pronounced, as architectural cues activate symbolic schemas and emotional responses that exceed purely visual processing. Research on place theory further suggests that meaning is generated through interaction, rendering architectural space inseparable from human presence and interpretation (17). These perspectives collectively provide the conceptual grounding for analyzing how light-based decorations in the Nasir al-Mulk Mosque structure environmental perception and psychological response.

Methodologically, this study adopts an analytical-descriptive approach grounded in library-based research and architectural analysis. Rather than employing experimental or survey-based techniques, the research systematically examines historical documents, architectural descriptions, theoretical texts, and prior analytical studies to reconstruct the role of light within the mosque's spatial and decorative system. This approach enables a layered reading of the mosque as both a physical artifact and a perceptual environment. The analytical process focuses on the sequential experience of space—from entrance to courtyard to prayer halls—and the manner in which light conditions change qualitatively across these zones. Particular attention is paid to the orientation of the building, the spatial hierarchy created through transitions from darkness to illumination, and the technical deployment of stained glass, tile surfaces, muqarnas, and reflective materials. By situating these architectural strategies within established models of environmental perception, the study interprets how spatial light dynamics contribute to cognitive orientation, emotional modulation, and symbolic meaning. This descriptive-analytical methodology allows for an integrative understanding of architecture as a sensory system that mediates between environmental stimuli and psychological experience.

The findings indicate that light in the Nasir al-Mulk Mosque operates as a deliberately orchestrated phenomenon designed to produce a non-uniform, dynamic, and immersive perceptual field. The architectural sequence from the dim entrance spaces to the luminous courtyard exemplifies a symbolic transition from profane to sacred space, reinforcing orientation and expectation through contrast (7). Within the prayer halls, particularly the western shabestan, stained glass windows filter morning sunlight into fragmented chromatic patterns that animate walls, floors, and columns, producing a continuously changing visual environment (9). This diffusion of colored light disrupts uniform illumination and encourages contemplative engagement rather than direct visual dominance. The distribution of light also subtly redirects attention, as lateral illumination influences perceptual focus and bodily orientation within the space (6). From an environmental psychology standpoint, these conditions enhance sensory richness and perceptual complexity, which are known to increase aesthetic engagement and emotional resonance (13). Moreover, the mosque's light environment aligns with biological considerations, as exposure to natural daylight supports circadian regulation and hormonal balance, contributing to feelings of vitality and psychological comfort (2). These findings suggest that the mosque's architects intentionally harnessed light not only as an aesthetic medium but also as a regulator of perceptual and emotional experience.

Interpretatively, the interaction between light and decoration in the Nasir al-Mulk Mosque can be understood through key theories of environmental psychology and phenomenology. According to interactionist models, perception arises from active engagement between the individual and the environment, rather than from environmental stimuli alone (14). In this context, light functions as a primary mediator that structures experiential meaning. Norberg-Schulz's phenomenological framework highlights how atmosphere, orientation, and existential meaning converge in architectural space, particularly in sacred environments (16). The mosque's light-based ornamentation fosters a sense of presence and spiritual attunement by dissolving rigid boundaries between material form and immaterial illumination. Furthermore, research on biological and psychological effects of light demonstrates that photons influence neurochemical processes, including the regulation of serotonin, endorphins, and cortisol, thereby linking architectural lighting conditions to emotional stability and well-being (19, 20). In this sense, the mosque's luminous environment may be interpreted as a form of implicit light therapy embedded within architectural design. The convergence of symbolic meaning, perceptual richness, and physiological responsiveness underscores the multidimensional role of light in shaping environmental experience within Iranian-Islamic architecture.

In conclusion, the Nasir al-Mulk Mosque exemplifies how architectural light can function simultaneously as a symbolic, perceptual, and psychological force within sacred space. The interplay of natural daylight, stained glass, ornamentation, and spatial sequencing creates an environment that supports emotional calm, perceptual engagement, and spiritual reflection. The study demonstrates that light is not an auxiliary element in mosque architecture but a central organizing principle that mediates the relationship between humans and their environment. By shaping sensory perception, influencing biological rhythms, and reinforcing symbolic meaning, light contributes to a holistic architectural experience that integrates body, mind, and spirit. Understanding this integrative role of light has broader implications for contemporary architectural design, particularly in contexts where psychological well-being and environmental quality are central concerns.

References

1. Safari A. The impact of architectural patterns and decorations of Nasir al-Mulk Mosque on users from the perspective of environmental psychology: Sepehr Danesh Moaser University; 2024.
2. Naibi F, Kateb F, Mazaheri M, Bireshk B. The impact of interior space lighting on quality of life and human internal behaviors. *Ethics in Science and Technology*. 2009;2(3-4).
3. Emami J. Natural light in interior architecture. *Abadi Magazine*. 1977(57).

4. Moghadasi A, Moghadasi MH, editors. The evolution of lighting methods in mosque architecture in Iran's hot and dry climate. National Conference on Desert Biomes; 2011.
5. Khosh Nazar MR, Rajabi MA. Light and color in Persian painting and Islamic architecture. Ketab-e Mah-e Honar. 2009(127).
6. Thavaqeb J. Mosques of Islamic Cities in the Works of Geographers. Qom: Habib; 2012.
7. Kamali Sarvestani K. Historical Mosques of Iran. Shiraz: Cultural Heritage and Tourism Organization of Fars; 2005.
8. Ahmadi Shalmani MH. Contemporary Architecture of Mosques. Tehran: Farhikhtegan-e Daneshgah; 2011.
9. Bavar F. Nasir al-Mulk Mosque: A manifestation of Islamic art. Cultural Heritage Magazine. 2020;19(5357).
10. Pourabdullah H. Hidden Wisdoms in Iranian Architecture. Tehran: Kalhor; 2010.
11. McAndrew FT. Environmental Psychology. Tehran: Zarbaf Asl Publications; 2008.
12. Emamgholi A, Ayzazian S, Zadeh Mohammadi A, Eslami SG. Environmental psychology: The common field of architecture and behavioral sciences. Journal of Behavioral Sciences. 2020;14(2).
13. Mortazavi S. Environmental Psychology. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 2001.
14. Lang J. Creating Architecture Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design. Tehran: University of Tehran Press; 2002.
15. Motalebi G. Environmental psychology: A new science in the service of architecture and urban design. Honar-Ha-Ye-Ziba Journal. 2001(10).
16. Norberg-Schulz C. Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture. Tehran: Jan-e-Jahan Publications; 2009.
17. Rapoport A. The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach. Beverly Hills, CA: Sage; 1990.
18. Pallasmaa J. The Eyes of the Skin: Architecture and the Senses. Tehran: Ganj-e Honar & Parham Naghsh; 2009.
19. Shahmohammadi N, Babakhani R. Analysis of the imaginary pattern of Nasir al-Mulk Mosque's Orosi windows based on the impacts of environmental psychology on user perceptions. Journal of Environmental Science and Technology. 2021;23(8).
20. Avani F. Light therapeutic essence and its effects on body cells. Medical Engineering Journal. 2018(204).